

نظریه جندر و اثرات نامطلوب آن بر خانواده در مقیاس جهانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

فریبا علاسوند لهری

استادیار پژوهشگر زن و خانواده، alasvand.f@gmail.com

چکیده

مطالعات تاریخی اجتماعی خانواده در دوره معاصر گویای این نکته است که یکی از مهم‌ترین وجوه تحول در خانواده در ارتباط با کلیدواژه جندر بوده است. بر پایه این مطالعات و مطالعات تاریخ مفهومی حوزه جنسیت در طی شش دهه، می‌توان دو مرحله با دو بسته معنایی متفاوت برای این کلیدواژه شناسایی کرد. در مرحله اول هرچند خانواده سنتی با چالش‌های جدی روبرو شد، روح آن با به‌مثابه یک رابطه ناهمجنس گرایانه موردحمله جدی قرار نگرفت. بخش اول بسته معنایی جندر شامل نفی تفاوت‌های طبیعی، برساختگی جنسیت و بی‌معنایی رابطه نقش/جنس بود که نهاد خانواده را در طول دهه شصت تا نود میلادی با دگرگونی در نقش‌های جنسیتی، تغییر در ساختار قدرت خانواده و تقویت تلقی حقوقی از آن تضعیف کرد. در بخش دوم، مفهوم حداقلی جنس بیولوژیک مخدوش گردید که خانواده طبیعی با تأکید بر ناهمجنس‌خواهی را به چالش کشید. این تحلیل گویایی این نکته است که جندر یک واژه نیست بلکه یک نظریه است که در دل خود اصول و نظام معنایی داشته و این همه اثرات نامطلوبی در تحولات خانواده در مقیاس جهانی داشته‌اند. این نوشتار درصدد است فراروی جندر از یک واژه تا نظریه را در قالب بیان آثار اساسی آن در تخریب بنیاد خانواده نشان دهد. این آثار عبارت‌اند از تحولات امر جنسی به‌مثابه پدیده و پدیدار جدید، پیامدهای

روابط جنسی متکثر بر زنان، سقط جنین، تحول در ادبیات تمایل به همجنس، ایجاد و تشدید مقابله هوشمند جریان‌های خانواده‌گرا و مذهبی در جهان. هدف از این پژوهش تبیین نظریه بودگی جندر با اشاره به سطح تأثیرات آن و تبیین اثرات این نظریه بر خانواده در مقیاس جهانی و با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی:

جندر، امر جنسی، تحولات خانواده، مقاومت، همجنس‌گرایی.

مقدمه

نویسندگان فمینیست تلاش بسیاری کردند که "Gender" را به مثابه یک برساخت در تحلیل‌های خود از زنانگی و مردانگی مطرح کنند و از اهمیت تفاوت‌های مردان و زنان به سود برابری بکاهند. در تحقیقات متعدد فمینیستی، جنسیت یک امر فرهنگی و به معنای طبقه‌بندی جنسیتی است و جبرگرایی بیولوژیکی درباره تفاوت‌ها بی‌معناست (Delphi, 2003, 59). بیولوژی جنس شاید ظرف تحقق تفاوت‌های جنسیتی، از جمله تقسیم کار اولیه بر مبنای تولیدمثل باشد؛ ولی از نظر دلفی، این تفاوت‌ها فرهنگی، اجتماعی و کاملاً تحول‌پذیرند (همان، ۶۰). از نظر برخی فمینیست‌ها "Gender" بعد هنجاری مفهوم انسانی جنس (به‌عنوان امر بیولوژیکی و فیزیکی) است که به یک ساخت اجتماعی گسترده بی‌قواره یا شکل‌یافته به صورت دلخواه توسعه یافته است. این مسئله به حدی در ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی مؤثر بوده که جایگزینی "Gender" به جای «Sex» مقوله‌ای اساسی در تحول روشنفکری قلمداد شده است (Hird, 2005: 21). این عبارت کارکرد کلمه جندر را در طول چهار دهه نشان می‌دهد. تحولات مفهومی جندر و آثار آن در این سطح متوقف نماند و در دهه پایانی قرن بیستم به آرامی زمینه برای تئوریزه کردن همجنس‌گرایی فراهم شد که مفهوم پایه آن، جندر بود. از این زمان به بعد جندر به انواع جنسیت‌ها معنا شد و جنسیت هرکسی بر اساس تمایل و نوع گرایش جنسی او قابل تعریف بود.

درواقع برهم‌زدن مفهوم "Gender" (جنسیت) و تقویت جایگاه فرهنگ و جامعه در شکل‌گیری مردانگی و زنانگی پس از مدتی جای خود را به ایجاد تردید در مفهوم و مرزشناسی «Sex» (جنس) داد. اگرچه وجود برخی اختلالات جنسی در بدو تولد سبب شد این نظر که تنها دو جنس و دو رسته برای جنس انسان‌ها وجود دارد، از نظر عده‌ای مخدوش شود (Fausto-Sterling, 2000: 44-77) اما نظریه جندر بسیار فراتر از اختلال ژنتیکی به دنبال یک آنارشی در مردانگی و زنانگی بوده و جایگاه طبیعت در ساخت مرد و زن بودن را به سخره گرفته است. این تحولات در عرصه‌های بی‌شماری آثاری داشته‌اند اما در خانواده تأثیرات مخرب‌تری پدید آوردند. علت این مسئله هم این بوده است که جندر

یک بسته معنایی دارد.

در تعریف‌های رایج و مقبول طرفداران تنوع جنسی سه اصطلاح وجود دارد که در بسته مفهومی ادبیات جندر مهم هستند. اول هویت جنسی است. هویت جنسی در نگاه این افراد، به این معناست که هر فرد چگونه در ذهن خود، جنس خویش را بر اساس میزان همسویی یا عدم همسویی با گزینه‌های جنسیت که در جامعه معرفی شده‌اند، تعریف می‌کند. دوم ابراز جنسیت است که مراد از آن روش‌هایی که شخص با استفاده از آن‌ها جنسیت خود را نشان می‌دهد مانند اعمال، لباس و رفتار و سوم جنس بیولوژیکی که همان ویژگی‌های جنسی و فیزیکی فرد است که با آن‌ها متولد می‌شود مانند اندام تناسلی، شکل بدن، زیرویمی صدا، موهای بدن، هورمون‌ها، کروموزوم‌ها و غیره. (Killerman, 2015) این مفاهیم و گزاره‌های توضیحی آن‌ها به‌طور جداگانه مشکلی ندارند اما ادغام این مفاهیم در کنار هم و در یک بسته معنایی، دارای این دلالت است که آدمی هویتی سیال و انعطاف‌پذیر داشته و هر فرد بر اساس احساسات و تمایلات خود کیفیت جنسیتی خود را انتخاب می‌کند و نشانگرهای جنسی بیولوژیکی به‌طور مؤثر ارتباط ضروری با هنجارها ندارند.

از نظر طرفداران سیالیت در هویت جنسی و جنسیتی، جنسیت یکی از آن چیزهایی است که همه فکر می‌کنند آن را می‌فهمند، اما چنین نیست. مردم تاکنون درباره جنسیت به‌سادگی قضاوت می‌کردند اما مسئله پیچیده آن این است که جنسیت باینری یعنی یا این یا آن نیست بلکه درباره بسیاری از موارد، هم/و هم است یا کمی از این و کمی از آن است! (Killermann, 2015). معنای این گفته آن است که باید این اندیشه را به کناری بگذاریم که انسان یا مرد است یا زن. این تغییر درباره هویت جنسی و جنسیتی بخشی از مطلبی است که از آن با عنوان نظریه جندر تعبیر می‌کنیم. خانم گروسمن از برنامه‌های آموزشی در دانشگاه برای درمانگران اطلاع می‌دهد که به آن‌ها تأکید می‌کند دو جنسی بودن جامعه و سیستم باینری قطعی نیست و آن‌ها باید یاد بگیرند با مراجعین مربوطه چگونه رفتار کنند. او می‌گوید این برنامه به ما تأکید می‌کند که شکستن کلیشه‌های باینری به سود همه ماست و تلقی ما از جندر باید اصلاح شود (Grossman, 2007).

در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین مفهوم پایه برای تحولات خانواده همین مفهوم و سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های مبتنی بر آن است که در طی شش دهه و دو مرحله کلان با توجه به بسته معنایی‌اش، بر خانواده تأثیرات منفی گذاشته است. بخش اول بسته معنایی جندر حاوی این نکات بود که دختر و پسر هیچ تفاوتی ندارند، تفاوت‌های مفروض تأثیری در زندگی نباید بگذارند، میان نقش و جنس رابطه طبیعی وجود ندارد، مادری و پدری بر ساخت بوده و لازم نیست مادر بیولوژیک همان مادر اجتماعی باشد که بچه را بزرگ می‌کند. آشکارا این گزاره‌ها نهاد خانواده را در طول دهه شصت تا نود میلادی تخریب کردند و این مرحله اولین گام اثرگذاری سلبی بر خانواده در غرب بود که امروزه دامنه آن به شرق هم کشیده شده است. در بخش دوم مفهوم حداقلی جنس بیولوژیک مخدوش گردید که خانواده طبیعی با تأکید بر ناهمجنس‌خواهی را به چالش کشید. همه نکات قبل به این معناست که جندر یک واژه نیست بلکه یک نظریه است که در دل خود اصول و نظام معنایی داشته و این همه اثرات نامطلوبی در تحولات خانواده در مقیاس جهانی داشته‌اند. در منتهاالیه چالش پایانی که تاکنون افراطی‌ترین مرحله آن است جریان‌های خانواده‌گرا به سوی تشکل‌سازی در برابر آن رفته و به خودآگاهی متفاوتی درباره این نظریه رسیدند. این نوشتار درصدد است به شکل مبسوطی به آثار آن در این شش دهه پردازد که عبارت‌اند از تحولات امر جنسی به مثابه پدیده و پدیدار جدید، پیامدهای روابط جنسی متکثر بر زنان، سقط جنین، تحول در ادبیات تمایل به همجنس، ایجاد و تشدید مقابله هوشمند جریان‌های خانواده‌گرا، جنسیت آگاه و مذهبی در جهان. هدف از این پژوهش تبیین نظریه‌بودگی جندر با اشاره به سطح تأثیرات آن و تبیین اثرات این نظریه بر خانواده در مقیاس جهانی است.

تحولات امر جنسی به مثابه پدیده و پدیدار جدید

انقلاب جنسی غرب که در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، ممکن است به‌عنوان علت نزدیک به جایی که امروز هستیم در نظر گرفته شود. انقلاب جنسی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد با رد کردن هنجارهای دینی و اخلاقی مسیحی پیرامون جنسیت، جنسیت و تمایلات جنسی شکل گرفت. پیش از آن رابطه جنسی قبل از ازدواج و یا رفتارهای همجنس‌بازانه

ناپسند بوده و به ندرت زوج‌های همباش وجود داشتند. مطالعات تاریخی - اجتماعی نشان می‌دهد تحولات اجتماعی و اخلاقی بر محور پاکدامنی امری تاریخی و جهانی است و در مسیر تحول از یک نظام الهی یا مناسبات طبیعی به سوی نظام انسان‌گرای غیراخلاقی، همواره دوری از پاکدامنی مرکزیت داشته است. برای مثال، در چرخش رویکرد اخلاقی سقراطی به رویکرد مادی سوفیستی، بخش چشم‌گیری از سوفسطاییان گوهر آدمی در مادیت او شمرده و بهترین شیوه زندگی را لذت‌گرایی می‌دانستند. آنتیفون، یکی از این افراد بود که گفته است: «یگانه معیار طبیعی رفتار انسانی، سودمندی، مطبوعی و لذت است» (یگر، ۱، ۴۳۹). در نمایشنامه ابرها اثر اریستوقس نفوذ این تفکر کاملاً مشهود است. در بخشی از آن آمده است: «در نظر آورید که اخلاق شما را از چه لذت‌هایی محروم می‌کند: زن، فرزند، قمار، غذاهای لذیذ، شرب خمر، فرح، لهو و لعب. به ضرورت طبیعت احترام گذارید. از من تبعیت کنید؛ از طبیعت تبعیت کنید... و هیچ چیز را شرم آور مپندارید» (بکر، ۱۹). این اتفاق با مرکزیت تحول در رفتار عقیفانه بارها در تاریخ تکرار شد. حرکت به سوی هنر غیر عقیف در نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی تئاتر در دوره مدرن بخشی از تحولات این دوره است. با این وجود، مرکزیت یافتن امر جنسی در نیمه دوم قرن بیستم ابعاد کاملاً متفاوتی دارد که با اموری چند مانند امکان کنترل بارداری زنان، قانونی شدن سقط جنین، تکنولوژی‌های رسانه‌ای ارتباط دارد.

پیش‌تر، مردم به‌طور کلی در مورد بحث در مورد رابطه جنسی در محیط‌های عمومی و خصوصی محدودیت داشتند. این محدودیت حتی در رسانه‌های غربی وجود داشت. به‌عنوان مثال، در سریال‌ها به‌جای به‌کارگیری کلمه «باردار» از تعبیرهایی مانند «او در انتظار است» یا «با فرزند است» استفاده می‌شد، زیرا کلمه «باردار» بیش از حد مستقیم تلقی می‌شد. فیلمی که حتی برای چند ثانیه صحنه زنی با لباس کمی باز را نشان می‌داد، امتیاز R می‌گرفت.^۱ در این زمان، بازاریابی و فروش هرزه‌نگاری و رمان‌های وابسته به عشق شهوانی نیز

۱. Restricted: برای دیدن این فیلم‌ها همراهی والدین لازم است و از والدین خواسته می‌شود پیش‌تر درباره محتوای آن‌ها اطلاعات لازم را کسب کنند.

ارزش‌های جنسی فوق‌زائیده درک فرهنگی‌ای بودند که رابطه جنسی را یک عمل تولیدمثلی می‌دانست که فقط باید در زمینه ازدواج رخ دهد. این بدان معنا نیست که رابطه جنسی برای تجربه لذت یا برای ایجاد صمیمیت و عشق بین یک زوج نبود اما به‌طور سنتی، کارکرد طبیعی آن یعنی بارداری مهم‌ترین احتمالی بود که برای هر رابطه وجود داشت. به همین دلیل همواره با نوعی پارسایی و مراقبت همراه بود زیرا مفهوم حلال‌زادگی برای مردمی که از این درک فرهنگی - دینی برخوردار بودند مهم و غیرقابل گفتگو بود. در مقابل رفتارهای ازهم‌گسیخته جنسی که همواره در هر جامعه‌ای وجود داشت نیز روسپی‌گری و ضد ارزش تلقی می‌شد که بانوان صاحب شرف از آن دوری می‌کردند. از آنجایی که رابطه جنسی و تولیدمثل به‌طور طبیعی و محکم با یکدیگر پیوند خورده‌اند، وظیفه اخلاقی ایجاب می‌کرد رابطه جنسی بین دو نفر محدود به کسانی باشد که برای یکدیگر حلال هستند. این تضمین می‌کند که کودکی که وارد دنیا می‌شود، پدری داشته باشد که او را تأمین کند و مادری از او مراقبت کند، در شرایط پایداری که برای شکوفایی وی مناسب است پذیرفته شود، نسب و پیوندهای خانوادگی گسترده داشته باشد، همراه با تمام حقوق، وظایف و حمایت‌هایی که از چنین روابط اساسی انسانی ناشی می‌شود؛ بنابراین، به‌طور طبیعی دخالت در حق کودک برای ورود به جهان بدون این اقدامات ایمنی‌بخش، غیراخلاقی و مضر تلقی می‌شد (Fausto, 2021). افزون بر نگرانی درباره خانواده رابطه جنسی غیرقانونی به‌عنوان یک تهدید مستقیم برای بافت اجتماعی نیز شناخته شد، زیرا با تضعیف خانواده و از بین بردن رفاه و امنیت مادر و کودک، جامعه یکدستی اخلاقی را ازدست‌داده و درنهایت با توسعه مادران فقیر و بچه‌های بی‌سرپرست ثبات اقتصادی خودجوش و مردمی نیز به خطر می‌افتد. چنان‌که این رهاشدگی ارزش‌های اجتماعی را هم تهدید می‌کند. روشن است که خانواده در همه جوامع نقطه ثبات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی و تکیه‌گاه مهمی برای دولت‌ها بوده است.

در دوره مدرن و به‌ویژه پس از انقلاب جنسی تمام این ارزش‌ها تغییر یافت و در این تغییر مسائلی چند، تأثیر بی‌رقیبی داشتند. یکی از آن‌ها تولید قرص کوچک ضدبارداری بود به‌تنهایی بیش از بسیاری از نتایج کوشش فمینیستی مانند حق رأی در تغییر وضعیت زنان اثرگذار بود (مک‌فارلند و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۱). قبل از ظهور اولین قرص

ضد بارداری مورد تأیید FDA در سال ۱۹۶۰، هیچ نوع پیشگیری از بارداری به اندازه امروز مؤثر نبود. (ابرستاد، ۲۰۱۲) قرص‌های ضد بارداری در حکم کاتالیزور انقلاب جنسی عمل کرده (Bakalar, 2010) و تحولات و نتایج را سرعت بخشیدند. شاید بتوان امروزه از واژه تحولات ترکیبی استفاده کرد. شیوع این قرص‌ها از یک سو، در تقویت نظام سرمایه‌داری و آماده‌سازی کمی و کیفی زنان به مثابه نیروی مستقیم کار تأثیر داشتند، از سوی دیگر، مشاغل جدیدی با محوریت بدن زنانه را شکل دادند که بهره‌وری اقتصادی آن برای نظام سرمایه‌داری با هیچ سطحی دیگری قابل قیاس نبود که این را تأثیر غیرمستقیم می‌نامیم، از سوی سوم با جداسازی رابطه جنسی از پیامد مهم آن که بارداری بود ارزش‌های جدیدی مناسب نظام غیراخلاقی مدرن شکل دادند که امر جنسی و شهوات در اشکال جدیدش در مرکزیت آن قرار داشت؛ به عبارت دیگر، هنجار اخلاقی‌ای که زمانی این دو متغیر را به هم پیوند می‌داد، به‌طور فزاینده‌ای بی‌ربط تلقی شد

تک ساحتی شدن رابطه دختر و پسر و فایده محوری در مقیاس خرد و ناپایدار باعث شده امر جنسی به مزیت اصلی رابطه‌ها تبدیل بشود و عشق با تالو عاطفی و ماندگارش از این رابطه به‌مرور حذف شود. این اتفاق کاملاً جدید است. بعد از بی‌معنا شدن ازدواج به‌عنوان تنها راه مشروع برای برقراری رابطه جنسی، تحول با مرکزیت نیاز جنسی در این سطح متوقف نماند. تا مدتی افراد گمان می‌کردند با روابط آزاد تنها یک تعهدنامه شرعی را از رابطه خود حذف کردند و سایر آثار ازدواج بر جای خود باقی است اما با گذشت زمان و تجربه رهاشدگی در رابطه‌های جنسی، سایر ارزش‌های این رابطه که در بستر پاک تداوم می‌یافتند از میان رفتند. عشق رمانتیک یکی از آن‌ها بود.

امر فوق را می‌توان اصالت یافتگی لذت بدنی یا بدنمند شدن رابطه مردان و زنان نامید که پیامد اجتماعی گسترده آن پایان یافتن ارزش باکرگی بود. باکرگی برای نسل هزاره یعنی نسلی که در انتهای دهه نود در دبیرستان بود، بی‌معناست به‌طوری‌که بر اساس آمار ۸۰ درصد دختران و پسران ۱۸ تا ۲۹ ساله در آمریکا (که در سایر کشورهای غربی هم وضعیت از این بهتر نیست) برای روابط جنسی تا ازدواج صبر نمی‌کنند. برخی نویسندگان نوشته‌اند این مسئله در خانواده‌های مذهبی هم به همین گونه بوده و در میان فرزندان آن‌ها

نیز نوجوانان زیادی در زیر ۱۸ سال باکرگی خود را از دست می‌دهند و از این بابت هم احساس گناه نمی‌کنند (Twinge, 2011, Chapter VI).

اگرچه رفتارهای جنسی امروزه بسیار درهم‌ریخته و متغیر هستند، تغییرات معنایی مشابهی را در همه جهان نشان می‌دهند. جوانان تکثر در رابطه را ترجیح می‌دهند و این نشان می‌دهد افزون بر از بین رفتن معنای عشق پایدار در رابطه‌ها، وفاداری و تعهد نیز ارزش‌های این نسل نیست. در برابر، آن‌ها روابط متکثر را باعث اعتماد به نفس بیشتر دانسته و یا به صراحت می‌گویند «من به نظر دیگران درباره این روابط آشفتگی و هم‌عرض اهمیت نمی‌دهم» مهم این است که من خودم را یک روسپی نمی‌دانم و به خودم احترام می‌گذارم! بررسی‌های کمی و کیفی محققان نشان می‌دهد خود دانشجویان و جوانان نیز معتقدند بیشترین تغییرات در روابط جنسی رخ داده است. در نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۱۳، نسل هزاره‌ها یعنی کسانی که در دهه ۸۰ میلادی دنیا آمدند دو برابر (۴۸ درصد) بیش از نسل والدین خود (۲۲ درصد) رابطه جنسی بین نوجوانان را به لحاظ اخلاقی قابل قبول می‌دانستند (Twinge, 2011, Chapter VI). مطالعه جامع بروک تغییر اساسی در نگرش به رابطه جنسی قبل از ازدواج را نشان داد. در اواخر دهه ۱۹۵۰، تنها ۳۰ درصد از جوانان رابطه جنسی قبل از ازدواج را تأیید می‌کردند که در اواخر دهه ۱۹۹۰، این درصد به ۷۵٪ رسید. تغییر در نگرش‌ها در میان زنان جوان حتی قابل توجه‌تر بود به این صورت که در دهه ۵۰ آن‌ها تنها ۱۲٪ رابطه جنسی قبل از ازدواج را تأیید می‌کردند و این درصد اخیراً به ۸۰٪ رسیده است (همان). اگرچه این جوانان به رابطه پیش از ازدواج به مثابه یک آزمایش می‌نگرند، رابطه‌ها اغلب به ازدواج ختم نمی‌شود حتی اگر به این نتیجه برسند که تست آن‌ها موفق بوده و اگر به ازدواج برسد از پایداری برخوردار نیست زیرا اصولاً پایداری در این نظام معنایی جایی ندارد. این تصویر به وضوح عشق را از پایداری تهی کرده و آن را مرادف هیجان جنسی گرفته است.

یکی از ابعاد بسیار مهم امر جنسی به مثابه پدیده جدید، نسبت میان آن و زنان است. اگرچه حتی بر اساس آموزه‌های اسلامی حیا امری انسانی و بی‌حیایی برای مردان و زنان ضد ارزش است، بررسی تحولات امر جنسی نشان می‌دهد در نظام معنایی مرتبط با آن زنان تغییرات زنان چشمگیرتر است. زنان در طول تاریخ درباره مسائلی سخن نمی‌گفتند و

رفتارهایی را با قطعیت انجام نمی‌دادند حتی اگر مردان مرتبط با آن‌ها برخی صلاحیت‌های اخلاقی را زیر پا می‌نهادند. جایگاه مادری یا حرمت زن بودن برای آن‌ها نظام رفتاری ویژه‌ای با محوریت پاکدامنی ترتیب داده بود. یکی از شعب انقلاب جنسی تغییر هنجارهای زنانه در این باره بوده است. برای مثال، پائولا کامن مجلاتی برای زنان جوان مانند *Cosmopolitan* و *Glamour* را بررسی کرده و به این نتیجه رسید که آن‌ها بی‌شرمی زنان را در صحت صریح در مورد طیف گسترده‌ای از ترس‌ها، تجربیات و لذت‌ها، منعکس کرده و پیامی قوی به خوانندگان می‌دهند. تأثیر چنین مقالاتی در نهایت مبارزه با استانداردهای دوگانه قدیمی برای زنان است. درحالی که بسیاری از زنان جوان این مجلات را برای مشاوره جنسی جستجو می‌کنند، پیام کلی آن‌ها به خوانندگانشان این است: این بدن شماست، لذت ببرید و هر کاری که می‌خواهید انجام دهید (توئینگ، ۲۰۱۱، بخش ششم). گرت گزارش مبسوطی از ادبیات زنان و استفاده از کلماتی عریان برای بیان تجربه و شور جنسی خود اراده می‌کند که پیش‌تر سابقه نداشته است (گرت، ۶۷، ۱۳۸۱-۷۲). همه این‌ها به آن معناست که زنان مدرن تمایل ندارند که به‌عنوان نگهبانان اخلاق شناخته بشوند.

زنان و پیامدهای روابط جنسی متکثر

تفکیک میان جنس و جنسیت اثر زیادی بر تلقی افراد از رابطه جنسی نهاده و آن را از ابعاد اخلاقی شناخته‌شده به تدریج جدا کرد. بسیاری از ارزش‌های اخلاقی که برای افراد به‌ویژه زنان مهم بود و در تربیت آنان به کار گرفته می‌شد برساخت اجتماعی و فرهنگی شمرده شد و در محدوده جنسیت یعنی جندر قرار گرفت که از آن جمله حیای بیشتر در زنان، ارزش مادری و همسری. برساخته دانستن از امور به تغییر و حذف آن‌ها در تربیت دختران انجامیده و دست‌یابی به امکان کنترل بارداری و یا دست‌یابی به امکان قانونی سقط‌جنین به‌مثابه یک کاتالیزور قوی سرعت بیشتری به تجربه‌های زنان از روابط آزاد جنسی داد. تجربه‌های متکثر شاید برای مردان به لحاظ تاریخی امر جدیدی محسوب نمی‌شد اما فراگیری آن بی‌شک نو و متفاوت و دارای پیامد بود. همین تکثر و تنوع برای زنان به‌طور تاریخی امر نادری بود که با گسیختگی اخلاقی و ناپاکی هم‌تبار بوده و زنان از چنین

برچسبی دوری می کردند. بر ساخت دانستن حیای زنانه، وفاداری زناشویی و پاکدامنی پیش و پس از ازدواج با ارجاع به جنس زن را وارد روابط متکثری کرد که پیش از آن در این سطح سابقه نداشت. برای مثال، ماریام گروسمن توضیح مفصلی از ترومای زنانه داده که نتیجه روابط متکثر است. بر اساس یافته‌های عصب‌شناسان هورمون اکسی توسین به‌عنوان یک هورمون قدرتمند در زنان عمل کرده و آن‌ها را برای زایمان، شیر دادن، مراقبت از کودک و هرگونه فداکاری آماده می‌کند. این هورمون به لحاظ عاطفی کارکرد پیوند دارد و برای دلبستگی و افزایش قدرت آن ترشح می‌شود. مسئله این است که این هورمون هنگام رابطه جنسی هم در بدن زنان ترشح می‌شود. با این توضیح روشن می‌شود روابط متکثر تا چه میزان به زنان آسیب می‌زند زیرا قرار گرفتن در رابطه با مردی که شاید حتی آخرین هدف او از یک ارتباط جنسی ازدواج نیست حتماً صحیح نخواهد بود. برای همین است که زنان از رابطه‌های ناپایدار آسیب بیشتری می‌بینند.

اشاره به تأثیر هورمون‌ها در شکل‌دهی ساختار روانی بخش کوچکی از نظریه مهم و گسترده ذات‌گرایی است که باوجود همه مخالفت‌های نظری، به‌طور عینی آثار خود را در روابط مردان و زنان نشان می‌دهد. میل به تعلق و وفاداری که جزئی از تمایل انسان بخصوص زنان به «استقرار» است یکی از عواملی است که حتی در ادبیات جهانی میان زن، خانه، ازدواج و خانواده ربط برقرار کرده است. این واقعیت در ادبیات قرآنی به سکونت‌بخشی بیشتر زنان تعبیر شده است (روم، ۲۱).

بنابر آنچه گذشت، تفاوت مردان و زنان در این مسئله قابل‌انکار نیست. رابطه‌های ناپایدار برای یک مرد شاید در قالب رابطه بدنی تمام شده، معنا شوند اما برای زنان به معنای دلبستگی‌های ناتمام، شکست‌های پیاپی، اعتمادهای ویران‌شده و احساس استثماری بی‌پایان است حتی اگر بخشی از این زنان تحت تأثیر پروپاگاندای فمینیستی آن را اظهار نکنند. پژوهش‌های متعددی وجود دارد که این پیامدها را متذکر شده‌اند اما فضای روانشناسی جامعه آمریکا لیبرال بوده و تمایلی به برملا شدن این پژوهش‌ها برای دختران ندارد. در این میان، جریان چپ که بهترین مدافع سیاسی برای رویکردهای فمینیستی هستند تحقیقاتی که مساعد رویکردهای آنان نباشند را آشکار نمی‌کنند و محققان مخالف با تهدید و انگ خفه می‌شوند؛ بنابراین سخن از آسیب‌پذیرتر بودن زنان گزاره‌ای نیست که شنیده شود

(Grossman, 2007, second chapter; Bamstir, 2015, 324-325, Introduction of)
(the book

سقط جنین

نظریه جندر تنها بر جنبه‌های بدنی تأکید نداشت بلکه فروکاهش هرگونه لذت برآمده از ازدواج به لذت جنسی، این نهاد را به نهادی صرفاً بدنمند تبدیل کرد. بدن‌مندی و اهمیت به لذت جنسی به‌عنوان تنها امر معنادار از رابطه مرد و زن، عناصر معنوی ازدواج را تخریب کرد که عبارت بودند از انس و آرامش، وفاداری، عشق و رحم که در قرآن کریم به مودت و رحمت معنا شده‌اند. در واقع جندر یعنی بدنی که خالی از معناست و تنها امر مهم برای آن میل جنسی است؛ مسئله‌ای که نظریه جندر حتی اگر به این امر تصریح نکند به‌وضوح به آن اصالت می‌دهد. جواز سقط جنین کوششی بود برای یکسان‌سازی تجربه جنسی زنان با مردان و جداسازی میان رابطه و تبعات بارداری زنان. در نتیجه با قانونی شدن سقط جنین در کشورها تخریب خانواده وارد مرحله جدیدی شد. در اصل جواز سقط جنین در حکم کاتالیزور دیگری بود که به تحول فوق‌شتاب بخشید. طرفداران کلیشه‌گی مادری و آزادی جنسی با کمک قانونی شدن سقط، در صدد بودند زنانگی را به‌عنوان یک متغیر اثرگذار بی‌اعتبار کنند. آن‌ها به‌زعم خود، با دسترسی زنان به سقط جنین قانونی می‌توانستند بدون نگرانی از تبعات آن و مانند مردان، با آزادی بیشتری روابط متکثر را تجربه کنند. در این مرحله هم این خانواده بود که گام دیگری به‌سوی تخریب نزدیک شد و در این فرآیند خانواده مسیحی و یهودی افزون بر مخالفت با خانواده به‌مثابه یک نهاد تاریخی و طبیعی، مشاهده کردند روند ضدیت با آموزه‌های غیرقابل تغییر کتاب مقدس سرعت گرفته است.

مخفی کردن اطلاعات واقعی ناشی از تغییرات هنجارها و ارزش‌های وابسته به خانواده متعهد، این نهاد و حتی زندگی فردی آدمیان را در مقیاس جهانی دچار مخاطرات روزافزون کرده است. امروزه سالانه حدود یک میلیون سقط جنین در ایالات متحده انجام می‌شود که ۵۲ درصد از آن به زنان زیر بیست و پنج سال مرتبط است. این آمار در ۱۹۹۰ بسیار بیشتر و طبق گزارش مؤسسه پیو یک میلیون و ششصد هزار نفر بود (PewResearch, 2024). اگرچه در سایت مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها در آمریکا (CDC) کوشش

می‌شود پیامدهای سقط جنین صرفاً جسمی و البته ناچیز اعلام شوند (PewResearch, 2024) مطالعه‌ای که توسط Planned Parenthood گزارش شده نشان می‌دهد که پس از دوسال، ۲۸ درصد از زنان گزارش کرده‌اند که ضرر سقط جنین بیشتر از فایده است. این مطالعه همچنین گزارش داد که سقط جنین در سن پایین‌تر تأثیر منفی تری داشته و با گذشت زمان، احساسات منفی مانند اندوه و پشیمانی افزایش می‌یابد و رضایت از تصمیم‌گیری پیشین که قتل یک انسان را در پیش داشت کاهش می‌یابد.

گفتنی است که با وجود آسیب‌های شدید جسمی و روانی ناشی از سقط، این افراد هیچ مشاوره مهمی درباره عواقب آن را دریافت نمی‌کنند؛ زیرا آگاهی از این مسئله و تبلیغات علیه سقط با نظریه جندر سازگار نیست و این در حالی است که افسردگی و فشارهای روانی ناشی از سایر مسائل در کشورهای توسعه‌یافته، برای دولت‌ها بسیار مهم بوده و مردم به‌طور دائمی توصیه‌هایی مبنی بر ضرورت دریافت مشاوره‌های روانشناسی و روان‌درمانی دریافت می‌کنند. دکتر ماریام گروسمن در کتاب خود می‌نویسد این امر در مقایسه با فعالیت فوق‌العاده زیاد نهادهای درمانی بعد از حوادث در آمریکا عجیب است. برای مثال بعد از طوفان کاترینا صدها بلکه هزاران فرد، نهاد و وب‌سایت مشغول دادن خدمات روان‌درمانی به افراد آسیب‌دیده بودند اما آسیب‌های ناشی از سقط نادیده گرفته شده و با وجود گزارش‌های متقن از پیامدهای سقط جنین، مراکز سقط این آثار را پنهان و آن را روشی امن توصیف می‌کند. نهاد شناخته‌شده و فعال در زمینه سقط جنین در آمریکا به نام Planned Parenthood علائم آسیب پس از سقط جنین را انکار کرده و آگاهی بخشی درباره آن را کاری می‌داند که توسط افراطیان ضد «خانواده برنامه‌ریزی‌شده» منتشر شده است. در یک وب‌سایت برای نوجوانان، Planned Parenthood توضیح می‌دهد: «سقط جنین یک روش بسیار ایمن است. این تقریباً دو برابر نسبت به برداشتن لوزه‌ها ایمن است (Grossman, 2007, Part IV).

گزاره پایه در این بخش از نظریه جندر شعار «بدن من انتخاب من» است که گاهی با تعبیر خویشتن مالکی بیان شده و به‌طور مشخص تحول در رفتارهای اخلاقی زنان را هدف قرار داده است. سقط جنین با این گزاره مهم اگرچه در پی تجویز اباحی‌گری جنسی برای دختران است، به‌طور غیرمستقیم ولی قوی رفتار پسران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. جین

توینگ می‌نویسد بروک ولز برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، داده‌هایی را در مورد رفتار و نگرش‌های جنسی از گزارش‌های تحقیقاتی روی ۲۶۹۶۴۹ جوان جمع‌آوری کرد که در طی چهار دهه جمع‌آوری شده بود و در آن زمان، جامع‌ترین مطالعه‌ای بود که تا آن هنگام در مورد منحنی تغییر در رفتار جنسی انجام شده است. بر اساس این پژوهش اگرچه رفتار جنسی مردان و زنان با گذشت زمان تغییر کرد، تغییرات برای زنان چشمگیرتر بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰، متوسط زنان جوان در سن ۱۸ سالگی باکرگی خود را از دست می‌دادند اما در اواخر دهه ۱۹۹۰، این عدد به ۱۵ سال رسید. گفتنی است نرخ تغییر و شتاب آن پس از دهه ۱۹۹۰ اندکی کند شد که احتمالاً عامل مهم آن نگرانی از انتشار بیماری‌های مقاربتی بود. مرکز بررسی رفتار مخاطره‌آمیز جوانان^۱ نشان داد که ۶۳ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی تا کلاس دوازدهم در سال ۲۰۱۱ بکارت خود را ازدست‌داده و رابطه‌های غیراخلاقی داشتند. این در حالی است که والدین آن‌ها که در نام‌گذاری نسلی به بومرها معروف هستند رابطه جنسی را در کالج آغاز می‌کردند و فرزندان آن‌ها در دبیرستان. متأسفانه بیشتر افراد در دوره دبیرستان ذهنیت را داشتند که همه دارند این کار را می‌کنند (توینگ، ۲۰۱۱، فصل ششم). این همان برنامه بدن‌مند کردن ازدواج و فروکاهش همه تقدس و اهداف چندوجهی آن به امر جنسی است؛ اما تا این مرحله نظریه جندر هنوز از جنس طبیعی عبور نکرده بود.

گفتنی است باوجود همه نکات پیش‌گفته، وجه انسان‌بودگی، ساختن سیستم‌های گول‌پیکر فرهنگی است (بامستیر، ۱۳۹۵، ۱۲۳) و انسان‌ها به‌طور مداوم فرهنگ‌ها را شکل داده و در درون این فرهنگ روابط انسان‌ها به‌خصوص روابط مردان و زنان به طرز عجیبی پایدار مانده است. تمام فشارهای سیاسی یا اقتصادی یا رسانه‌ای نتوانسته مغز اصلی این رابطه را از بین ببرد. در این میان مهم است که بدانیم این فرهنگ بر اساس چه ویژگی‌های از زنان و مردان پیش رفته است. سیستم‌های بزرگ فرهنگی و اجتماعی در همه زمان‌ها با کمک انواع عملکردهای متفاوت مردانه و زنانه پیش یا پس رفته و طبیعت مردانه و زنانه در آن‌ها نقش متمایزی داشته است. این فرهنگ‌ها در یک چیز مشترک بودند و هر جامعه‌ای

1. disease Control Center

که بر این فرهنگ اصرار داشته پایدارتر مانده است. آن چیز عبارت است از این است که کسی باید برای جنگیدن و رقابت و به دست آوردن وجود داشته باشد و کسی برای نگهداری از کودکان با روشی که آن را روش مادرانه می‌خوانیم. اگر طبیعت به این عرصه دو جنس متفاوت داده باشد حاکی از این است که این نقش‌ها قابلیت ترکیب به گونه‌ای که هیچ مرزی وجود نداشته باشد، نیستند. این گزاره پیش‌ازین که گزاره‌ای دینی باشد گزاره‌ای منطقی است که تجربه زیسته انسان‌ها در جوامع مختلف آن را تأیید می‌کند. آنگاه مادرانگی و زن بوده الزامات متعددی دارد که نظریه جنس بی‌دلیل آن‌ها را به سود خود و به قصد امحای آن‌ها مصادره‌شان کرده است. برای مثال اگر جمعیت هنوز یک متغیر مهم برای قدرت است پس مادران، خانه، تعلق، ازدواج و هویت همچنان مهم است. مسئله این است که نظریه جنس ضمن مخالفت با گستره جنس طبیعی و برساخت دانستن بسیاری از ویژگی‌ها به دنبال تحقق انسانی سیال با اکوسیستمی از عناصر فرهنگی سیال است که طبیعت و بخش مهم ثابت هویت انسانی تاکنون مانع از تحقق کامل آن شده اما پیکرش آسیب زیادی از نظریه مزبور دیده است.

از سوی دیگر، صرف نظر از فطرت سالم انسانی که بزرگ‌ترین سرمایه تکوینی الهی برای حفاظت از خانواده طبیعی، ناهمجنس خواه و متعهد است، دین و الهیات مذهبی مهم‌ترین ابزار برای این منظور است. ادیان الهی به‌طور مشترک مردم را به دوری از الکل، مخدر، مشروب، روابط جنسی خارج از ازدواج، تعهد به همسر و مراقبت از سلامت جسمی و روانی اعضا دعوت کرده و با معنابخشی به زندگی به افراد امید داده و زندگی سالم روحی را برای آنان به ارمغان می‌آورد. تنها راه برای رهایی از بیماری‌های بدنی و روانی ناشی از پیامدهای رابطه‌های متکثر یا همجنس‌گرایانه، حفظ پاکدامنی و تأخیر رابطه جنسی تا ازدواج با کسی است که عشق، تعهد و پاکی او ضامن سلامت روحی و جسمی آدمی است که تنها در توصیه‌های دینی وجود داشته و میان ادیان الهی مشترک است. در تجربه درمانگری گروسمن به‌عنوان یک روان‌پزشک مسیحی باور دینی جایگاه مهمی دارد او می‌گوید اعتقاد به خداوند، تقدس بدن، حرمت خودکشی، امید و معنای زندگی اموری هستند که افراد را در زندگی حتی در بدترین شرایط نجات داده‌اند. عبادت نیز تأثیرات خود را در سلامت معنوی و ذهنی دارد و باعث افزایش اعتماد به نفس، امید، احساس مثبت

مانند توانمندی، معنا و محتوای زندگی، عشق می‌شود (گروسمن، ۲۰۰۷، بخش سوم).^۱ در واقع، درد روانی غیرقابل تحمل بی‌معنایی را «جوهر ذهن خودکشی» نامیده‌اند. با وجود تحقیقات و شواهد متقن تراپیست‌ها، پزشکان پرستاران و مشاوران این نقش پررنگ دین در سلامت روانی را آشکار نمی‌کنند (همان). واضح است که دین با این سبک از زندگی تا چه میزان با معنای آزادی فردی و ابرفردگرایی شهوت‌گرا مخالف است و از گردش مالی پیرامون فساد بشر جلوگیری می‌کند و این تنها علت مخالفت بی‌دینان در برابر خداوند و ادیان الهی است.

تحول در ادبیات تمایل به همجنس

پس از اجلاس سال ۲۰۰۰ و فارغ شدن از اینکه ممنوعیت تبعیض علیه زنان و رواداری تبعیض مثبت به سود زنان یک مفهوم حقوقی کاملاً جاافتاده است، پروژه‌ی برابری جنسیتی درباره‌ی اقلیت‌های جنسی با جدیت بیشتری دنبال شد. گزارش UNFPA با عنوان ICPD شامل یازده اشاره به گرایش جنسی، شش اشاره به تراجنسی و پنج اشاره به هویت جنسی است. این سند از رفتار همجنس‌گرایانه جرم‌زدایی کرده و درخواست می‌کند کمپین‌هایی

1. Large numbers of studies, performed at secular medical schools and schools of public health, indicate that practicing a mainstream faith confers significant health benefits. People who use “religious coping”—prayer, confession, seeking strength and comfort from God—adjust better to stressful life events such as kidney transplant, cancer, the Oklahoma City bombing, the death of a close friend, and the loss of a child through sudden infant death. 18 Devotion and participation in a religious community significantly decrease the likelihood of depression in atrisk adolescent girls. 19 In a survey of nearly 35,000 adolescents, religiousness was inversely associated with dangerous behaviors: binge drinking, marijuana use, cigarette smoking, and premarital sex. 20 A study of children whose parents had severe mental illness showed some were strengthened by “the sense of incorporating something larger than oneself.” To the researchers’ astonishment, some of these children climbed to success and health through intense affiliations with religious groups. 21 Frequency of prayer is associated with long survival in persons with HIV/AIDS. 22 Religiosity and spirituality is associated with lower blood pressure in older adults. 23 Attending religious services once a week may be a more cost-effective way of living longer than taking cholesterol-lowering medication. 24 After studying the relationship between attending religious services and mortality, a professor of preventive medicine concluded: “I think I’ll go to church.” Yes, people who go to church live longer.

علیه تبعیض درباره این رفتارها برپا شود (Slater, 2017:19). اتحادیه اروپا نیز به تازگی تصمیم گرفته حقوق تراجنسی‌ها را به‌عنوان بخشی از راهبرد تساوی جنسیتی ترویج بدهد؛^۱ همچنان که در هلند، طرح تساوی LGBT‌ها با برابری جنسیتی طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ درهم آمیخته شد (همان). امروزه شاید هیچ اقلیتی به‌اندازه اقلیت‌های جنسی از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نباشند و این سطح از رصد و حمایت، تردید جدی درباره نیت حامیان ایجاد می‌کند. در سند پکن که سال ۱۹۹۵ به تصویب کشورها رسید، دوازده عرصه را عرصه‌های خطیر و نگران‌کننده شمردند که امروزه همه آن موارد تحت تأثیر حقوق اقلیت‌های جنسی قرار گرفته‌اند.

این کوشش حقوقی متأثر از نظریه جنسیت است که ادبیات همجنس‌گرایی در ابعاد مختلف در دو دهه گذشته را تحت تأثیر قرار داده است به‌نوعی که شاید بتوان گفت نگران‌کننده‌ترین بعد نظریه جنس در حال حاضر همین است. این تحول در حوزه علمی، اسناد بین‌المللی، ادبیات رسانه‌ای و سایر حوزه‌ها به‌صورت هماهنگ انجام شده است. در این راستا نظریه جنس در پیش‌تر به جنبه‌های روحی و روانی زنانگی و مردانگی اعتراض داشته و آن‌ها را بر ساخت می‌دانست از جنس طبیعی هم عبور کرد. در این گام جنس در مخالفت با آموزه‌های دینی اعم از یهودی، مسیحی و اسلامی وارد خطیرترین گام خود شده و با ایجاد ابهام در جنس طبیعی ضربه پایانی را به خانواده وارد کرد. تلاش فوق‌العاده برای توسعه مفهوم خانواده و مجبور ساختن مقامات و نهادهای دینی در کشورهای مختلف برای به رسمیت شناختن ازدواج همجنس‌گرایان تنها بخشی از این پروژه است. محور گفت‌وگو دگرباشان جنسی، شکل‌گیری هویت حول میل جنسی است که در جای خود نشان می‌دهد این مسئله تا چه میزان حاوی بار منفی درباره تعریف انسان است.

اگرچه نظریه‌سازی و سندسازی برای همجنس‌گرایی در فضای به‌ظاهر آکادمیک صورت می‌گیرد و صدها دانشمند به‌ویژه در مراکز جراحی جنسیت مشغول توجیه انواع جنسیت‌ها هستند، رسانه بیشترین خدمت را برای رواداری و عرفی‌سازی آن انجام می‌دهد زیرا رسانه وجدان انسان‌ها را با قدرت درام و انرژی عاطفی تصاویر و داستان تحت تأثیر

1. www.lgbt-ep.eu/press-releases/new-eu-gender-equality-strategy-transgender-people-rights.

قرار می‌دهد. در دهه گذشته، رشد چشمگیری در ادبیات مرتبط با دگرباشان جنسی به‌ویژه برای جوانان صورت گرفته است. برای مثال، *The Lumberjanes* یک مجموعه کتاب کمیک محبوب است که از هفتادوپنج شماره تشکیل شده است. قهرمان آن یک زن ترنس یعنی یک مرد بیولوژیکی با ظاهری زنانه با دو پدر همجنس‌باز است. در سال ۲۰۱۰، تقریباً ده کتاب توسط ناشران مشهور برای جوانان با شخصیت‌های LGBT منتشر شد (لو، ۲۰۱۷). تا سال ۲۰۱۶، تنها شش سال بعد، این تعداد به هشتاد عنوان رسید. همچنین اکنون شاهد انتشار سالانه «فهرست کتاب رنگین‌کمان» هستیم که به‌روزرسانی‌هایی را در مورد کتاب‌های با مضمون دگرباشان جنسی برای کودکان در تمام سنین ارائه می‌کند یعنی از نوزادان تا ۱۸ سال. کتابخانه‌های عمومی و مدارس ابتدایی در سرتاسر ایالات متحده میزبان کتاب‌خوانی به‌وسیله مردانی با کلاه‌گیس‌های پرزرق‌وبرق و آرایش زنانه برای کودکان هستند و در این فرآیند، کاریکاتورهای بسیار جنسی را در ذهن آن‌ها تلقین می‌کنند.

همین تغییرات در فیلم‌ها اتفاق افتاده است. اتحادیه همجنس‌گرایان و همجنس‌گرایان علیه افترا^۱ اعلام کرد از ۱۱۸ فیلم استودیویی بزرگ منتشر شده در سال ۲۰۱۹، بیست‌ودو فیلم (۱۸٫۶٪) دارای شخصیت‌های LGBT هستند. علاوه بر این، بیش از ۲۵۰ شخصیت دگرباشان جنسی در کارتون‌های کودکان در سال ۱۹۸۳ شمارش شده است. با نگاهی به داده‌های سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ - به‌ویژه در پنج سال آخر این دوره - بازنمایی به شخصیت‌هایی از این دست افزایش یافته است. (Whitley-Berry, 2021). این افزایش با تصمیم دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ رخ داد که طی آن ازدواج همجنس‌گرایان قانونی شد. در سال‌های پس از قانونی شدن ازدواج همجنس‌گرایان، «خیابان کنجد»، «باب اسفنجی» و دیگر کارتون‌هایی از این دست، شخصیت‌های همجنس‌گرا را نشان می‌دادند.

در سال ۱۹۸۹، مارشال کرک، روانشناس عصبی و هانتر مدسن، مدیر بازاریابی و تبلیغات اجتماعی، کتاب «پس از توپ: چگونه آمریکا بر ترس و نفرت خود از همجنس‌گرایان را در دهه ۹۰ غلبه خواهد کرد»، به‌طور مشترک منتشر کردند. این کتاب

1. GLAAD

به‌عنوان یک مانیفست برای عادی‌سازی همجنس‌گرایی در جوامع غربی عمل کرد. از زمان انتشار، طرح کتاب توسط اعضای جنبش LGBT اجرا شده است. نویسندگان به جرأت در ابتدای کتاب بیان می‌کنند: «کارزاری که ما در این کتاب ترسیم می‌کنیم، اگرچه پیچیده است، اما اساساً به برنامه‌ای از تبلیغات بی‌عیب بستگی دارد که به‌طور محکم بر اصول قدیمی روان‌شناسی و تبلیغات مبتنی است. کرک و مدسن از اصول حساسیت‌زدایی در مبارزات خود استفاده کرده و تبدیل را یک راهبرد مؤثر معرفی کردند. آن‌ها درباره مفهوم «تبدیل» نوشتند «منظور ما تبدیل احساسات، ذهن و اراده یک آمریکایی معمولی از طریق یک حمله روانی برنامه‌ریزی‌شده در قالب تبلیغاتی است که از طریق رسانه‌ها به ملت داده می‌شود.» (Qadhi, 2023).

چالش اصلی در این است که گفتمان همجنس‌گرایی به‌عنوان یک گفتمان اخلاقی ارائه‌شده و با وارونگی در مفاهیم، ارزش‌ها را به سود اقلیت‌های جنسی تغییر می‌دهد. برابری، کرامت و حقوق بشر سه مفهوم محوری در این گفتمان هستند که همه به سود این انحراف جنسی تصاحب شدند. در نتیجه هرگونه مخالفت با اهداف جنبش سازمان‌یافته LGBT به منزله مخالفت با این سه ارزش است. دست‌کاری مفاهیم و وارونه‌سازی ارزش‌ها که در مجامع علمی رخ می‌دهد به‌وسیله سیاستمداران در نهادهای ملی و بین‌المللی به ادبیات جهانی تبدیل می‌شود به‌نوعی که هرگونه مخالفت با آن‌ها از طرف رویکردهای دینی یا خانواده‌گرا با ابزارهای فشار به عقب رانده می‌شوند. این بعد از استعمار که کلونی-سازی اندیشه‌ها است به‌وسیله رسانه‌ها عادی‌سازی می‌شود به‌نوعی که مخالفت با آن تابو محسوب می‌گردد. در اصل این اقلیت اکثریت مخالف را با کمک مفاهیم وارونه اما شایع به وضوح محدود کرده و تحت فشار قرار می‌دهند.

یکی از واژگانی که برای تغییر نگرش مردم درباره همجنس‌بازی و پیامدهای آن به کار می‌رود رابطه ایمن^۱ است. دلیل ادبیات سازی پیرامون رابطه امن، شیوع بیماری‌های جنسی مرتبط با رفتارهای همجنس‌گرایانه است که با یک همدستی حرفه‌ای میان پزشکان، سیاستمداران همجنس‌گرا و فمینیست‌های لژیون است که یک گزاره دروغین را میان مردم

۱. با تبلیغات بسیار زیاد در مقیاس جهانی به safer sex معروف شده است.

شایع کردند و آن عبارت است این که هر کسی ممکن است به ایدز مبتلا بشود. این در حالی است که گزارش‌ها نشان می‌دهند که بیماری ایدز همچنان بیماری همجنس‌گرایان است ولی آنان و رفتار مخربشان به شدت تحت حمایت قانون هستند. محققان به افرادی اشاره می‌کنند که علی‌رغم تقید به رابطه ایمن و استفاده از لوازم مرتبط، به بیماری‌های مقاربتی مانند اچ آی وی مبتلا شدند و این پایان سلامت آن‌ها بود. (Gairdner, 1995). در اصل دادن اطمینان به مردان و زنان درباره «رابطه امن» که با تبلیغات گسترده و پشتیبانی پزشکان، جهانی شده است راهی برای دور کردن مردم از آگاهی درباره آثار مخرب همجنس‌گرایی است. یکی از این محققان ماریام گروسمن است که در کتاب خود نوشته است جهان ما به جای پیشگیری، به ایده کاهش خطر درباره بیماری‌های مقاربتی روی آورده است و این خود یک ایدئولوژی است که تابعی از آزادی فردی به حساب می‌آید. این در حالی است که هیچ‌کس درباره سایر بیماری‌ها چنین استراتژی‌ای را قبول نداشته و تنها به امحای آن‌ها فکر می‌کند. در اصل متخصصان تحت فشار نظریه جندر در این باره به جای انتقال حقایق تلخ و کوشش برای از میان بردن زمینه‌های اصلی ابتلا که یکی از آن‌ها رابطه جنسی متکثر است، به مردم به‌ویژه به زنان اطلاعات بسیار ساده و سفید می‌دهند که به سهل‌انگاری آن درباره روابط منجر می‌شود. افزون بر این ۴۱ درصد از دختران در یک کالج دانشجویی در آمریکا گزارش دادند اصولاً مردان مرتبط با آن‌ها از این ابزار استفاده نمی‌کنند (Grossman, 2007, Part II).

نکته مهم دیگر این است که این روابط غیر از آثار بدنی، اجتماعی و مسائل زیستی مختلف مثل نگرانی از ازدواج و بچه‌دار شدن کسانی که به اچ آی وی یا سایر بیماری‌ها مبتلا می‌شوند، حجم بزرگی از ترومای روانی را به دنبال دارند. احساس شرمساری، گناه، افسردگی اضطراب و استرس شدید از دست دادن اعتماد به نفس بخشی از این تروما هستند. متأسفانه مطالعات نشان می‌دهد متخصصان به‌خصوص پزشکان آثار مخرب روابط جنسی را مخفی کرده و با ساده‌سازی سعی در پنهان کردن ابعاد وخیم دنیای مملو از بیماری‌ها و ویروس‌های ناشی از روابط آزاد دارند (Grossman, 2007, IV).

تحول در ادبیات همجنس‌گرایی به‌عنوان بخشی از کلان‌پروژه‌ای که نظریه جندر

دنبال می‌کند تنها به رواداری همجنس‌بازی منجر نشده بلکه جهان با فراروی این نظریه از سطح منازعات آکادمیک به میدان زندگی مردم با تهدیدهای بزرگی در حوزه سلامت مواجه شده است. گروسمن در فصل چهارم کتاب خود از پرونده‌های علمی و کتب متقنی پرده برمی‌دارد که نشان می‌دهد روابط همجنس‌گرایانه و مقعدی چگونه در انتشار بیماری‌هایی مانند ایدز نقش اصلی و اساسی دارند. این پژوهش‌ها به راحتی منتشر نمی‌شوند و پرونده‌های پزشکی مربوط، همواره مخفی می‌مانند.^۱ در مقابل، آنان بعد اخلاقی انتشار ایدز را حذف کرده و هیچ مسئولیت اجتماعی در قبال انتشار این ویروس خطرناک را بر عهده نمی‌گیرند. بر اساس اصل محرمانگی پزشکی و هیچ درمانگری نمی‌تواند به دیگران بیماری یک فرد مبتلا را اطلاع دهد مگر آن که او دلبخواهانه آزمایش داده، از بیماری‌اش با اطلاع شده و خود بخواهد که به افراد پیرامونش خبر بدهد. این در حالی است که از هر پانصد نفر دانشجوی کالج‌های امریکا یک نفر به ایدز مبتلا است و تنها در نیویورک تا سال ۲۰۰۷، ۶۰۰۰۰ بیمار وجود داشته است. (Grossman, 2007, Part IV).

گفتنی است در برخی اسنادی که برای جلوگیری از انتشار ویروس اچ آی وی میان مردم در کشورهای جهان منتشر می‌شود عناوین نژادپرستی، همجنس‌گرایی‌هراسی، تبعیض بر اساس جنس و برچسب‌زنی! را به‌عنوان راه‌های انتشار معرفی کرده‌اند. در واقع ترویج همجنس‌گرایی که خود عامل انتشار ایدز است راهی برای جلوگیری از انتقال دانسته است! در کشورهای غربی هر بیماری مانند بیماری‌های مقاربتی که به‌نوعی به آزادی جنسی مربوط می‌شود در حیطه اختیار و تصمیمی فردی فهم کرده و ساختارها از ارائه اطلاعات کنترل‌کننده که جنبه پیشگیری با تغییر سبک زندگی به‌سوی خویشتن‌داری و پاکدامنی داشته باشد خودداری و جلوگیری می‌کنند.

برای فهم دقیق‌تر مسئله انتقال ایدز و نسبت آن با همجنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی اول باید دانست HIV در زنان چقدر شایع است؟ در سطح امریکا تا سال ۲۰۱۸ یک پنجم

۱. یکی از این کتاب‌ها به نام «و گروه موسیقی آغاز کردند: یک کار قهرمانانه» بود که به وسیله رندی شیلتز در ۱۹۸۷ نوشته شد و نیویورک تایمز آن را کار قهرمانانه از ژورنالیسم نامید. ("a heroic", And the Band Played On, work)

مبتلایان به ایدز را زنان تشکیل می‌دادند (CDC. NCHHSTP Atlas Plus. Accessed February 2020) و امروزه به ۲۳ درصد رسیده است (CDC. Supplemental Surveillance Report. Estimated HIV Incidence and Prevalence in the United States 2010–2016 Vol 24. No. 1. February 2019)؛ بنابراین شانس ملاقات با یک زن آلوده بسیار کمتر از مرد آلوده است. درباره انتقال ویروس از زن به مرد، برخی محققان با بررسی زوج‌های دگرجنس‌گرای تک‌همسر که در آن‌ها تنها زن آلوده بوده و ابزار پیشگیری هم استفاده نمی‌شود، نتایجی به دست آوردند. برای مثال، در یک مطالعه ده‌ساله در این باره معلوم شد با گذشت این زمان تنها دو نفر از هشتاد و دو مرد مبتلا شدند. در مطالعه مشابهی قبل از آن، فقط یکی از هفتاد و دو مرد مبتلا شده بود و از مجموع تقریباً ۲۱۰۰۰ مرد مبتلا به ایدز در شهر نیویورک، در سال ۱۹۸۹، ۸ نفر با انتقال جنسی از یک زن آلوده شدند (گروسمن، ۲۰۰۷، فصل چهارم). همچنین در حالی که برخی مراکز اصرار دارند که بگویند اکثر زنان مبتلا دگرجنس‌گرا هستند (CDC. NCHHSTP Atlas Plus. Accessed March 2020)، مرکز کنترل بیماری‌های ایدز آمریکا نشان داده که دگرجنس‌گرایی که در آمار مبتلایان دیده می‌شوند، یا با هر دو جنس مرتبط بوده‌اند و یا مواد مخدر تزریق کرده‌اند. در این اسناد دگرجنس‌گرا (*heterosexual*) با اچ کوچک نوشته شده است که منظور از آن مطلق دگرجنس‌گرایان نیست بلکه کسی است که با هر دو جنس مرتبط است (همان). در نتیجه تبلیغات شدید برای دور کردن رسانه‌ها و مردم از واقعیت‌های مربوط به انتشار ایدز بخصوص همجنس‌گرایی تابعی از بی‌اهمیت کردن جنس طبیعی، ازدواج ناهمجنس خواهانه و روابط تعهدآمیز در چارچوب خانواده است که همه در اثر سلطه نظریه جندر رخ داده است.

مخالفت هوشمند جریان خانواده‌گرا و مذهبی با آزادی جنسی به ویژه همجنس‌گرایی

مراد از حرکت هوشمند در وهله اول جنسیت آگاه شدن این جریان است. نظریه جندر امروزه از سوی رهبران این جنبش اعم از رهبران نهادی و کنشگران اجتماعی به کاررفته و

موردنقد قرار گرفته است. مستند اخیر «زن چیست» که به وسیله مت والش^۱ ساخته شد کوشش هدفمند و عالمانه یک کنشگر را در این باره نشان می‌دهد که متوجه شده منشأ تحولات اخلاقی ضد خانواده در کشورش و در دنیا را باید در دانشگاه و میان متخصصان پیدا کند و از این رو مصاحبه‌های فراروانی در این باره با شخصیت‌های به نام در سراسر جهان انجام می‌دهد. او به‌طور دقیق به دنبال بازتعریف زنان بر اساس امر طبیعی و به چالش کشیدن نظریه جنس است. در وهله بعد، یارگیری ملی و بین‌المللی در این باره است که برگزاری نشست‌ها و همایش‌های متعدد با تم خانواده، نقد همجنس‌گرایی، مخالفت با سقط جنین و اموری از این دست حاکی از این رخداد است. در وهله بعد کوشش جریان‌های خانواده‌گرا با اعلام صریح مواضع علیه همجنس‌گرایی برای ورود به قدرت سیاسی نشان دیگری از تحقق این مقاومت هوشمند است. امروزه کاندیداهای ورود به قدرت از موافقان و مخالفان خانواده سنتی، به اشکال مختلف در انتخابات سیاسی به چالش کشیده می‌شوند و اعلام مواضع آن‌ها در این باره ثابت می‌کند جریان‌های خانواده‌گرا نقش بیشتری در این عرصه بر عهده گرفته‌اند. از سوی چهارم، جریان مردمی مسیحی گاهی از اعلام نظر رسمی کلیسا درباره تاب‌آوری در برابر همجنس‌گرایی فاصله گرفته و نقش فعال و مستقلی برای حفاظت از خانواده طبیعی و الهی بر عهده می‌گیرد. این موارد نشان می‌دهد امروزه شاهد جریان هوشمند و نیرومندی در حراست از خانواده در برابر نظریه جنس هستیم.

با این وجود می‌دانیم گفتمان عمومی در مورد تمایلات جنسی در چند دهه گذشته چالش‌هایی را برای جوامع مذهبی ایجاد کرده است. امروزه، اخلاق جنسی و جنسیتی اسلامی در تضاد با برخی دیدگاه‌های اخیر اجتماعی رایج است و باعث تنش میان مسلمانان بین باورهای مذهبی و انتظارات اجتماعی آن‌ها می‌شود. در عین حال، مخالفت عمومی از اعمال، باورها و حمایت از LGBTQ به‌طور فزاینده‌ای با اتهامات ناپردباری و اتهاماتی نظیر تعصب مواجه می‌شود. فشار روزافزون برای ترویج ارزش‌های مبتنی بر رواداری LGBTQ، در میان کودکان از طریق قوانین و مقررات، نادیده گرفتن رضایت والدین برای آموزش

1. Matt Walsh

جنسی و تصمیمات مربوط به تغییر یا تعویق جنسیت و محروم کردن والدین و فرزندان از فرصت ابراز مخالفت با ارزش‌های فوق در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی وجود دارد که همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین سیاست‌هایی کارگزاری والدین مسلمان را برای آموزش اخلاق جنسی مبتنی بر دین به فرزندان‌شان زیر پا گذاشته، حق مندرج در قوانین اساسی برای انجام آزادانه امور دینی خود را نقض کرده و به ایجاد فضای عدم تحمل نسبت به جوامع مذهبی کمک می‌کند (بیانیه اخلاق جنسی و جنسیتی در اسلام، ۲۰۲۳).^۱

این مسئله اختصاصی به مدارس ندارد و در دانشگاه‌ها، سال‌های بیشتری است که دنبال شده است. گروسمن می‌گوید در دانشگاه‌های ما به دلیل وجود تنوع در گرایش‌های جنسی گاهی درمانگران همجنس‌گرا را استخدام می‌کند تا مراجعین با آرامش بیشتری مسائل خود را دنبال کنند در حالی که از نظر مسئولان، نیازی به استخدام عامدانه کسانی که به ارزش‌های مذهبی باور دارند نیست. در این مراکز با وجود تساوی همگان در پرداخت حق بیمه، میزان دریافت کمک و مشاوره به افراد همجنس‌گرا یا کسانی که می‌خواهند جنین خود را سقط کنند و یا حتی سیاهان بسیار بیشتر از کسی است که به خداوند معتقد است و بر اساس این باور علاقه‌مند است فرزند بیشتری داشته باشد و برای بارداری نیاز به مشاوره دارد (Grossman, 2007, Chapter III).

از سوی دیگر، در سطوح مختلف نهادی و سیاسی فشار برای ترویج گفتمان همجنس‌گرایی به‌طور سازمان‌یافته وجود دارد. برای مثال همه کمپانی‌های تجاری و اقتصادی برای به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی یا آزادی جنسی تحت فشار هستند (Cooban, 2022). چنان‌که کشورهای اسلامی نیز از طریق سفارتخانه‌های آمریکا برای همین منظور تحت الزام و فشار هستند (مؤسسه یقین). همچنین مؤسسات طرفدار با استفاده از نمادهای مسلمانان مانند حجاب یا کاراکتر بچه‌های مسلمان برای تبلیغ ادبیات سوگی، به نفوذ این گفتمان در میان مسلمانان به‌طور خاص می‌پردازند تا جریان‌های مقاوم را زودتر

1. https://navigatingdifferences.com/clarifying-sexual-and-gender-ethics-in-islam/?fbclid=IwAR3Y9o9EELVBy4A0b_ooSGXX1px4omc13bfjCB2LV0bvGrCcA2D127Z0xCY

تحت تأثیر قرار دهند (SOGI 1 2 3, 2019, www.sogieducation.org/, accessed September 13, 2022). به دلیل همین حرکت مهندسی شده و هم‌جانبه در مقیاس جهانی است که لازم است فعالیت مسلمانان برای حفاظت از خانواده حساب‌شده باشد؛ چیزی که مسیحیان نیز از دهه‌ها قبل ضرورت آن را کاملاً درک کرده بودند (Kirk and Madsen, 1989, xxviii).

خوشبختانه در دهه اخیر شاهد پدیده‌ای منحصربه‌فردی در دفاع از خانواده دینی در مقیاس جهانی هستیم. اگرچه مسلمانان مهاجر و غیرمهاجر در غرب در خط مقدم این جنبش اجتماعی هستند، اصل جنبش فراتر از هر دین یا قومیتی است. در اصل این اعتراضات به رهبری والدین در سراسر آمریکا، کانادا و اروپا آغاز شده و مخاطب آن هیئت‌های مدارس هستند که می‌خواهند به دانش‌آموزان محتوایی درباره مقبولیت سبک زندگی LGBTQ آموزش دهند. می‌توان گفت فشار آموزش جنسی در این کشورها این جنبش را به شکل امروزی پدید آورده است. در نتیجه مسئله آن‌ها خانواده و معصومیت کودکان است (Qadhi, 2023).

صرف نظر از تلقین‌های فردگرایانه، بسیاری معتقدند والدین همواره وظیفه خدادادی و حق قانونی دارند که به فرزندان خود آموزش و راهنمایی اخلاقی بدهند. این امر شامل حق والدین و فرزندانشان برای رد ایدئولوژی‌هایی است که با عقاید آن‌ها در تضاد است. چنان‌که گذشت، در حالی که والدین از همه اقوام و مذاهب درگیر این مسئله هستند، والدین مسلمان، هم‌به‌عنوان سازمان‌دهندگان و هم‌به‌عنوان معترضان نقش اصلی را در همه این موارد ایفا می‌کنند و حضور بسیار مشهود آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی نیرومند است. با این حال، مؤسسات سکولار مانند مدارس دولتی به‌صورت یک‌جانبه و تمامیت‌خواهانه به معلمان دستور می‌دهند دانش‌آموزان را آماده کنند تا ایدئولوژی LGBTQ را بپذیرند. این فشار گاهی با این تهدید همراه است که در صورت امتناع از انجام این کار، به‌عنوان یک معلم «به کشورشان تعلق ندارند». در برخی ایالت‌ها در آمریکا، مدارس کتاب‌هایی را تأیید می‌کنند که همجنس‌گرایی و تغییر جنسیت را به‌عنوان واقعیت‌های عادی برای کودکان سه‌ساله مورد بحث قرار می‌دهند. این در حالی است که این کودکان به‌سختی می‌توانند یک جمله کامل بسازند (Qadhi, 2023). اغلب اوقات،

کسانی که می‌خواهند مطابق با جریان اصلی و اخلاقی مبتنی بر خانواده زندگی کنند، در صورت امتناع از حمایت از رویدادهای LGBTQ، متهم به تعصب و «همجنس‌گراهراسی» می‌شوند. این پیامدهای اجتماعی رنج زیادی برای بسیاری از افراد ایجاد می‌کنند و اغلب به خاطر اجتناب از این پیامدها که انزوای اجتماعی کمترین آن‌ها است در برابر این تهدید بزرگ سکوت می‌کنند. جریان‌های دینی به‌ویژه مسلمانان امروزه تلاش می‌کنند با دادن بیانه‌های متعدد به والدین کمک کرده تا بدون ترس از مجازات قانونی، حق خود را برای داشتن دیدگاه‌های مذهبی خود تثبیت کنند. این پشتیبانی نظری و اجتماعی به شکل‌سازی آن‌ها کمک کرده است.

با وجود این دغدغه والدینی و سپس دینی میان مؤمنان، چنان‌که گذشت مسلمانان در این راستا تلاش بیشتری به خرج می‌دهند. دلیل این امر هم از نظر همه به‌خصوص کسانی که از نزدیک با این معضل مواجه هستند این است که اگرچه اسلام از سنت غنی فقهی برخوردار است که چشم‌اندازهای متنوعی را امکان‌پذیر کرده و هنجارهای فرهنگی مختلف را در خود جای می‌دهد، اصول و ارزش‌های صریحی دارد که تغییرناپذیر و غیرقابل گفتگو بوده و قابل‌بازنگری از سوی هیچ شخص یا نهادی از جمله عالی‌ترین مراجع دینی نیستند (بیانیه اخلاق جنسی و جنسیتی در اسلام)^۱ این امر و اصولاً فقهی بودن خانواده اسلامی آن را از تحولات بسیاری حفاظت می‌کند و شاید به دلیل اهمیت خانواده در تمدن‌سازی و حفظ هویت اسلامی افراد است که عقد نکاح با همه قراردادهای شرعی متفاوت بوده و به تعبیر برخی فقها فراوانی احکام شرعی و تأسیسی، آن را شبیه به عبادت کرده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۱۲۳).

تلاش جامعه مسلمانان در تقابل با رواداری رفتارهای غیرمشروع مانند همجنس‌گرایی زمانی که هم‌صدا و همراه با شواهد علمی باشند معمولاً به نتیجه می‌رسد. یکی از این موارد، مخالفت با پوستری به نام «تنوع عشق» بود. در این پوستر تصویری از دو زن باحجاب را نشان می‌دهد که در حال بوسیدن یکدیگر بوده که در روز جهانی مخالفت با هموفوبیا (هفدهم می) در یک دانشگاه کانادایی نصب گردید (El-Tobgui, 2022). این

1. Navigating Differences: Clarifying Sexual and Gender Ethics in Islam

پوستر با مخالفت گسترده مسلمانان مواجه گردید که با عقب‌نشینی اولیه دانشگاه همراه شد. دانشگاه پذیرفت که این موضوع «پیچیده و متقاطع» است و در مقاله‌ای با عنوان زیرکانه «ملت LGBTQ» مسئله مهمی را درباره نظر اسلام در این باره تحریف کرد. در این مقاله آمده است فرهنگ مسلمانان ذاتاً ضد همجنس‌بازی نبوده و قرآن برخلاف کتاب مقدس مسیحیان، درباره همجنس‌گرایی ساکت است! متأسفانه طبق یک مطالعه تحقیقاتی که موسسه پیو انجام داده آمده است مسلمانان آمریکایی بیشتر از مسیحیان انجیلی، پروتستان و مورمون‌ها از ازدواج همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند. بعید نیست این عده، جامعه اسمی اسلامی باشند و نه کسانی که التزام عملی به اسلام دارند. گفتنی است علیرغم تحریف فوق، در نهایت دانشگاه به خواسته‌های مقاومتی مسلمانان تن داد و پوستر را پایین کشید که پیروزی مهمی برای آنان به حساب آمد. (مؤسسه یقین، ۲۰۲۴).^۱

قابل ذکر است مسلمانان یا پیروان سایر ادیان که می‌خواهند میان تعهدات سیاسی و اعتقادات مذهبی خود هماهنگی ایجاد کنند به‌طور عمده طرف سیاسی را ترجیح می‌دهند حتی اگر به قیمت بازتفسیر ریشه‌ای ایمانشان باشد. این اتفاق در میان کسانی رایج است که به لحاظ سیاسی طرفدار ایدئولوژی لیبرال چپ هستند (Qadhi, 2023). جریان چپ‌گرا با استفاده از ادبیات اقلیت‌گرا، به دنبال مشروعیت بخشی و کسب احترام برای گروه‌هایی است که در جامعه‌های بزرگ‌تر اقلیت محسوب می‌شوند. این رویکرد با استفاده از عواطف اجتماعی درباره سیاهان، مهاجران، مسلمانان به‌عنوان اقلیت، حمایت حقوقی را برای همجنس‌گراان جلب کند.

دیدگاهی که مسلمانان برای مقاومت در برابر رواداری ارزش‌های ضد خانواده به‌ویژه همجنس‌گرایی اتخاذ کرده‌اند تأکید بر اهمیت ایدئولوژی و ترجیح آن بر رویکرد سیاسی است. از نظر آن‌ها ثبات احکام، آیات تحریف‌نشده قرآن مهم‌ترین منبع برای حفاظت از خانواده است. حرمت همجنس‌گرایی در اسلام قطعی و بر اساس قرآن انحرافی تاریخی و غیر مشروع در همه ادیان است. مسلمانان نیازمند ایجاد پارادایم خانواده‌گرا در ائتلاف با

1. <https://yaqeeninstitute.org/read/paper/islam-and-the-lgbt-question-reframing-the-narrative>

ادیان ابراهیمی هستند که بر علیه آرمان ایدئولوژیک کورجنسی جدید حرکت کرده و مانع گسترش مهندسی اجتماعی علیه فضیلت‌های دینی به‌ویژه در ارتباط با پاکدامنی شوند. روشن است که جریان مقابل توانسته ارزش‌های همجنس‌گرایی را از یک تابو تا جریان اصلی تغییر دهد و مخالفت با آن مانند مخالفت با ضد ارزش‌هایی نظیر مصرف الکل یا مخدر نیست زیرا چنان‌که پیش‌تر ذکر شد امروزه با گفتمان همجنس‌گرایی مواجه هستیم نه تنها یک رفتار، گفتمانی که نقطه ثقل آن تغییر در هویت جنسی و جنسیتی بوده و مفاهیم موردتکای آن مفاهیم جهانی کرامت انسانی، عدالت، احترام و خودمختاری است. از سوی دیگر، نظام سکولار بینا مدرن - پست مدرن بیشترین ضربه را به متافیزیک فضیلت زده است و بسیاری از مفاهیم اخلاقی یا ارزشی را از بنیاد معنوی و الهی آن تهی کرده است. مفاهیمی مانند جنس، عدالت، کرامت، احترام و استقلال به‌عنوان ارزش‌های این جهانی و سیال در صدد قطع رابطه مؤمنان با پیشینه الهی و طبیعی آنان است. بر این اساس ادبیات سنتی در مخالف با این پدیده پاسخگو نبوده و باید جامعه مسلمانان با همین مفاهیم مواجه شده و آن‌ها را به دستور کار تبدیل کنند. فهم این شکاف به درک چالش اصلی نسل مؤمنان در نسبت با ارزش‌های جدید کمک می‌کند. نباید از این واقعیت غفلت کرد که این گفتمان هر رفتاری که دال مرکزی آن آزادی جنسی باشد را منطقی و هر ارزشی که پیرامون خویشتن‌داری و سلامت جنسی بر پایه عفاف باشد را مضحک قلمداد می‌کند.

نتیجه‌گیری

جندر یک نظریه است که دارای اصول و نقشه تحول است که بر مبنای نظام معنایی مندرج در آن تحولات متعددی در مسیر فروپاشی خانواده ایجاد کرده است. در این مقاله این تحولات در دو مرحله تابع بسته‌های معنایی که این نظریه ارائه کرد مطرح شدند که در مرحله اول با بازتعریف هویت جنسی مرد و زن، هویت جنسیتی را برساخت معرفی کرده و با القای وجودشناختی تفاوت‌ها با نفی ارزش آن‌ها به برابری زن و مرد و نفی مناشی طبیعی برای نقش مادری و پدری و جایگاه همسری دامن زده و خانواده را دچار تزلزل کرد. این تزلزل در قالب ارائه معنا و شکل جدیدی از امر جنسی و اهمیت یافتگی آن بروز کرد که خود باعث رواداری سقط‌جنین، تکثیر آثار جسمی و روانی آزادی جنسی و روابط متکثر،

گردید. در مرحله دوم هویت جنسی مورد تردید قرار گرفته و باقیمانده طبیعت گروهی در جنس مردانه و زنانه نامعقول اعلام شد و ابعاد برساختی جنسیت گسترش پیدا کرد. در این راستا ادبیات تمایل به همجنس به عنوان مهم ترین پروژه دو دهه اخیر به شدت توسعه یافت که ضربه مهلکی بر خانواده بود. به موازات این مسئله جریان های خانواده گرا اعم از طبیعت-گرایان و مؤمنان به ادیان ابراهیمی به ویژه مسلمانان جنبش جدید و هوشمندی را در جهان آغاز و تشدید کردند که همراهی با آن از ضرورت های دفاع ایدئولوژیک از خانواده است.

مقالات

نظریه جنس و اثرات نامطلوب آن بر خانواده در
مقیاس جهانی

منابع

۱. بامستیر، روی. (۱۳۹۵). آیا هیچ چیز خوبی هم درباره مردان وجود دارد؟ تهران: نشر معارف.
۲. بکر، لارنس سی. (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه اخلاق غرب، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳. گرنت، تونی. (۱۳۸۱). زن بودن، فروزان گنجی‌زاده، تهران: ورجاوند.
۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲). بحوث فقهیه هامة، قم: انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
۵. مک‌فارلند، باربارا؛ واتسون، روزلین ویرجینیا. (۱۳۷۸). حق با مادرم بود، سوسن ملکی، تهران، نشر مادر.
۶. یگر، ورنر. (۱۳۷۶). پای‌دیا، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی، تهران.
7. Bakalar, Nicholas. 2010. “
8. Birth Control Pills, (1957),” New York Times, October 25,
9. Cooban, Anna. (2022). “Burger King Has a ‘Pride Whopper’ with ‘Two Equal Buns,” <https://www.cnn.com/2022/06/07/business-food/burger-king-pride-whopper>
10. Delphy, Chrisine; (2003); "Rethinking Sex and Gender", Feminist. Theory Reader: Local and Global Perspective, New York, Routledge.
11. Eberstad Mary, (2012). Adam and Eve After the Pill: Paradoxes of the Sexual Revolution (San Francisco: Ignatius Press,
12. El-Tobgui, Carl Sharif. (2022) “Islam and ‘LGBTQ’: Gender, Sexuality, Morality & Identity,” Blogging Theology, YouTube video, June 17, https://www.youtube.com/watch?v=_M4aHFvrCuI.
13. Faust, Katy, (2021). Them Before Us, New York: Post Hill Press.
14. Fausto-Sterling, Anne; (2000); *Of Gender and Genitals from Sexing the Body: Gender Politics and the Construction of Sexuality*; New York: Basic Books.
15. Gairdner, William. (1995). <https://williamgairdner.ca/wp-content/themes/oceanwp-child/essays/safe-sex-and-condoms.pdf>.
16. Grossman, Miriam.)2007(. *Unprotected: A Campus Psychiatrist Reveals How Political Correctness in Her Profession Endangers*

- Every Student*, Sentinel, EPUB.
17. Hird, Myra. J; (2005); *Sex, Gender and Science*, Antony Rowe, Chippenham and Eastbourne; London: Palgrave Macmillan press.
 18. <https://www.nytimes.com/2010/10/26/health/26first.html>
 19. <https://www.pewresearch.org/short-reads/2024/03/25/what-the-data-says-about-abortion-in-the-us/#how-often-are-there-medical-complications-from-abortion>
 20. <https://www.pewresearch.org/short-reads/2024/03/25/what-the-data-says-about-abortion-in-the-us/#how-many-abortions-are-there-in-the-us-each-year>
 21. Killermann, Sam. (2015). "Breaking through the Binary: Gender Explained Using Continuums," March 27, <https://www.genderbread.org/wp-content/uploads/2017/02/Breaking-through-the-Binary-by-Sam-Killermann.pdf>
 22. Kirk Marshall and Madsen Hunter. (1990). *After the Ball: How America Will Conquer Its Fear and Hatred of Gays in the 90s*, New York: Doubleday.
 23. Lo, Malinda. (2017). "LGBTQ YA by the Numbers: 2015–16," Malinda Lo (blog), October 12, 2017, <https://www.malindalo.com/blog/2017/10/12/lgbtq-ya-by-the-numbers-2015-16>.
 24. Meg Jay, (2012). "The Downside of Cohabiting Before Marriage," *New York Times*, April 15, 2012, <http://www.nytimes.com/2012/04/15/opinion/sunday/the-downside-of-cohabiting-before-marriage.html>
 25. Qadhi, Yasir. (2023). https://yaqeeninstitute.org/read/paper/islam-and-the-lgbt-question-reframing-the-narrative#ftnt_ref20
 26. Slater, Sharon. (2017). familywatch.org/fwi/documents/SDG_Analysis: an analysis of the un 2030 sustainable development agenda.
 27. SOGI 1 2 3, (2019), www.sogieducation.org/, accessed September 13, 2022.
 28. SOGI 1 2 3, (2019), www.sogieducation.org/, accessed September 13.
 29. Twinge, jane M. (2014). *Generation Me - Revised and Updated: Why Today's Young Americans Are More Confident, Assertive, Entitled--and More Miserable Than Ever Before*, Simon & Schuster. eBookNews.SimonandSchuster.com, EPUB.
 30. Whitley-Berry, Victoria. (2021). "After Decades in the Background, Queer Characters Step to the Front in Kids' Media," NPR, June 30, 2021, <https://www.npr.org/2021/06/30/1011310695/after-decades-in-the-background-queer-characters-step-to-the-front-in-kids-media>.)
 31. Yaqeeninstitute.https://yaqeeninstitute.org/read/paper/islam-and-the-lgbt-question-reframing-the-narrative#ftnt_ref13)